



# قدرت سرمایه اجتماعی در دفاع مقدس

حمیده امینی‌فرد  
خبرنگار

از ۳۱ شهریور تا ۶ مهرماه هفته دفاع مقدس نامگذاری شده است. هفته‌ای که دست کم برای بسیاری از ما چه از نسل گذشته باشیم و چه از نسل جدید نام آشناست. اما جنگ ۸ ساله دفاع مقدس بیش از آنکه یک نبرد زمینی و نظامی باشد، فرصتی برای ظهور کامل سرمایه اجتماعی در ایران بود. سرمایه‌ای که به تعبیر کارشناسان به‌ندرت کامل ظاهر می‌شود اما در این دوران با مشارکت و همیاری و همبستگی مردمی فراتر از تئوری‌های صرف ظاهر شد. موضوعی که جامعه‌شناسی جنگ در ایران را به چالش کشید و موجب شد تا اتفاقی نادر برای جامعه ایران رقم بخورد. دستاوردهای نظامی ایران اگر چه در این ۸ سال قابل دفاع و بحث است؛ اما نکته‌ای که شاید کمتر مورد توجه محافل جامعه‌شناسی قرار گرفته باشد «واکوی جنگ تحمیلی از نظر سرمایه اجتماعی ویرمبناي قدرت مردمی» است: سرمایه‌ای که این روزها خطر افول آن محور بحث‌های کارشناسان و حتی مسئولان دولتی است. سؤال مهم این است چطور در شرایطی که وضعیت کشور در بحرانی‌ترین حالت ممکن قرار داشت، کالاهای مصرفی محدود و گرانی در حال افزایش بود؛ در شرایطی که مردم در اضطراب محض برای بازگشت عزیزانشان از جبهه‌های نبرد بودند و مسایله جنگ هر لحظه گسترده‌تر می‌شد؛ میزان سرمایه اجتماعی به جای کاهش افزایش یافت؟ چرا مردم در این سخت‌ترین دوران تاریخ ایران در کنار هم ایستادند و چطور ظرفیت ناامیدی حاکم بر جامعه به اعتماد جمعی و مشارکت بالا منجر در نهایت به پیروزی مردم در برابر دشمن یعنی ختم‌شد؟ برخی متخصصان اجتماعی از مبانی اعتقادی مردم و فضای معنوی و ارزشی حاکم بر جامعه ایران در آن شرایط به عنوان برنده نام می‌برند اما ساده‌انگارانه است که از عوامل مؤثر گسترده در افزایش سرمایه اجتماعی غافل شویم. چرا که سرمایه اجتماعی که در دوران جنگ ظهور کرد، حالاً می‌تواند به عنوان یک الگوی آزمون‌شده مورد توجه قرار بگیرد. به عبارتی سرمایه انسانی دیروز که باهمه توان و باهمه وجود روی کار آمد، می‌تواند در مسیر بحران‌های شرایط حاضر مورد استفاده قرار بگیرد. سرمایه‌ای که بیشترین ویژگی اش اعتمادسازی و از خودگذشتگی و ایثار بود. در حال حاضر بحران‌ها اگرچه شکل‌شان تغییر کرده است و حالا ماهیت‌شان از نظامی بودن و آتش کشیدن و خمپاره انداختن به بحران‌هایی مثل پاندمی کرونا تبدیل شده است، اما ابزارهای مقابله با آنها می‌تواند همانی باشد که چهل و اندی سال پیش مورد استفاده قرار گرفت. کارشناسان بر این باورند که ظرفیت‌سازی برای افزایش اعتماد اجتماعی، مشارکت و همیاری جمعی و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی با استفاده از این ابزارها شدنی است.

## سرمایه اجتماعی زنان کشر در جنگ تحمیلی



سمیه سادات شفیعی  
عضو هیات علمی  
پژوهشگاه علوم  
انسانی و مطالعات  
فرهنگی

جنگ تحمیلی برای زنان فرصت‌های آشکار و پنهان کنشگری فراهم ساخت که در نهایت نقش آفرینی بی‌سابقه آنان را در تاریخ معاصر ایران رقم زد. زنان از اولین کنشگرانی بودند که در مقاومت خرمشهر جانانه به میدان آمدند. با بر کردن گونی‌ها و سنگ‌سازی، ساخت کوکتل مولوتف، و تهیه و توزیع غذای گرم در بین مدافعان شهر از یک سو و از سوی دیگر با امداد، انتقال و پرستاری از مجروحان، کمک به شست‌شو و غسل و تدفین شهدا هر یک به خودی خود در جهت حفظ وطن گام برداشتند. کمک آنان به حفظ و بقای نیروها در ایام مقاومت نیرو بخشید. با رسیدگی به مجروحان، جان بسیاری از خطر مرگ رها شده شد و در عین حال ظرفیت این قشر توانمند و آماده به خدمت، به گونه‌ای در جریان جنگ تحمیلی قوام یافت که تأثیرات عمیق خود را در حیات اجتماعی سیاسی آحاد ملت برجا گذاشت. در اینجا حداقل در دو مقوله اصلی کوشش‌های مستدام زنان را در طول سال‌های مختلف جنگ قابل طرح است: اول نقش پررنگ زنان در ستادهای پشتیبانی جنگ و دوم نقش آفرینی زنان در بهداری رزمی. بی‌شک حضور زنان در انواع ستادهای کمک‌رسانی در مناطق شهری و روستایی در قالب سازمان کار داوطلبانه تأثیر بسزایی در برآوردن نیازهای روزمره رزمندگان و نیز جنگ‌زدگان در قالب کالاهای و خدمات و اقلام مصرفی داشته است و از این لحاظ مواضع جمهوری اسلامی ایران را در نبرد ۸ ساله تحکیم و تقویت نموده است. در سویی دیگر زنان در کسوت کادر بهداری به پرستاری و درمان مجروحان جنگی نظامی و نیز غیرنظامی پرداختند و با تلاش در جهت امداد، انتقال، پرستاری و درمان مجروحان چه در بیمارستان‌های شهرهای عقبه و نیز صحرایی پشت جبهه، شهرهای اصلی و چه در ترابری مجروحان کوشیدند تا با تکمیل لام، درمان و بهبود آنان را تسریع بخشند.

این دو کار ویژه که با هدف حفظ توان رزم و کیان ملی دنبال می‌شد بر حسب تشخیص کنشگران و تعهد آنان در قبال رزمندگان به مثابه فرزندان وطن، متضمن نوعی از اخلاق حرفه‌ای بود که به واسطه آن کنشگران خود را فارغ از کون و مکان و همواره در تقای خدمت به فرزندان وطن می‌دیدند. ساعات کار طولانی، سخت و گاهی در معرض خطرات مهلک مشخصه این نوع کنش بوده است. محمل اصلی تحقق این اخلاق حرفه‌ای، در نزد کنشگران سرمایه اجتماعی بود که از رهگذر عاملیت آنان در آن بزنگاه تاریخی بروز و نمود یافت.

در ادبیات جامعه‌شناسی «تعهد به انجام کار» از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. بویژه تعهد درونی که حاصل قوانین نانوشت‌های است که بر اساس پیوندهای اجتماعی، درونی و قابل اجرا می‌شود، از بن‌مایه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. به‌تدریج، خود موجب تقویت اعتماد فی‌مابین شده و روح تعاون و همکاری درون سازمانی و نیز نیر افراد سازمان و مراجعان (اینجا کادر درمانی و مجروحان) را می‌گستر. بخش قابل‌توجهی از تاب‌آوری پرسنل درمانی در وضعیت جنگی ناشی از کارکردهای سرمایه اجتماعی ایجاد شده در میدان عمل و برآمده از تعهد بالای آنان به کار بوده است. همین سرمایه اجتماعی است که هزینه‌های بالا و بعضاً مهلک کار در شرایط اضطراری و زیر حمله دشمن را کاهش داده؛ به هم افزایی نیروها انجامیده و در مضیقه‌ها، انرژی آفرین بوده است. همین سرمایه اجتماعی در تحولات و ناملایمات ناشی از بحران‌ها، از دست دادن‌ها و فراق‌ها به ثبات ارزش‌ها و اخلاق حرفه‌ای در کادر پرستاری و درمانی انجامید و درک مشترکی را میان اعضای سازمان و اعضا با مراجعان به دنبال داشت که بتوانند روزهای تلخ و پرتنش را از سر بگذرانند.

در ستادهای کمک‌رسانی نیز همین تعهد به کار و نیر ارزش‌های مشترک کنشگران، سرمایه اجتماعی برایشان به همراه داشت که بتوانند فراق عزیزان رزمنده برای مدت‌های طولانی چه در شکل اعزام‌ها و چه در شکل اسارت و بی‌خبری و انتظار، و نیز شهادت و سوگ را تاب آورند. همین سرمایه اجتماعی به زبان مشترک این کنشگران و نیز رزمندگان بدل شد که پیام‌های کوتاه و گمنام آنان را در کنار بسته‌های کوچک اهدایی دریافت می‌کردند و در وضعیت‌های دشوار و سخت رزم در گرمای طاقتفرسا و سرمای خشن، ذیل خط آتش به یاد خانه، خانواده و شهر و دیارشان انرژی تازه‌ای برای دفاع و مقاومت می‌یافتند.

در این مختصات و به مدد تعهد والا و برخورداری از سطوح مختلف سرمایه اجتماعی، کنشگران فارغ از کلیشه‌های جنسیتی به ظرفیت‌های انسانی متکی بوده، و برای سربلندی وطن و خدمت به هموطنان اعم از مرد و زن به جان و جد کوشیدند. مناسبات آنان در پرتوی سرمایه اجتماعی حاصل اعزاز جایگاه کنشگران، رابطه قلبی را برای افشار زنان رقم زد که همواره در تکاپو برای عرضه بهترین خود بودند. فشارهای اقتصادی، یورش‌های هوایی و موشکی در قالب جنگ شهرها و خاموشی‌ها و پیرشانی‌های متبادر، انجام امور روزمره چون مراقبت از فرزندان و تیمارداری سالمندان، ایستادن در صف‌های فرسوس برای کسب مایحتاج و مواردی از این قبیل هیچ‌کدام نتوانست از عزم آنان برای کنشگرایی معالنه چه در ستادها کمک‌رسانی و چه اعزام در قالب تیم‌های امدادی بکاهد.

محصل مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی‌ام در سال‌های اخیر در این زمینه در دو مجلد «بیسون عشق؛ مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق- ایران» و «زهره حریف ماه شد؛ نقش اجتماعی زنان در بهداری رزمی در جنگ عراق- ایران» منتشر شده که گزارش مستندی از ظرفیت‌های زنان گمنامی را به رخ می‌کشد؛ به رخ جامعه پسا‌جنگ که همچنان بر طبل انگاره‌های کلیشه‌ای از زن می‌کوبد و ظرفیت‌های زنان را تا حد مصرف‌کنندگان منفعل به حلیض می‌کشد؛ زنان را در طر حواره‌های عرصه خصوصی محدود می‌سازد و چشمانش را بر این‌همه تلاش، شور و عشق، تعهد و التزام به خانه و خانواده، کار و وطن می‌بندد. از زنان و مردان در دوگانه‌سازی‌های رایج، مرد میدان و زن پرده‌نشین را برچسته و در امتداد تاریخ بسط می‌دهد، حال آنکه در بزنگاه‌های حساس با عضوگیری گسترده به ظرفیت‌هایشان نظر داشته، همتشان را به کار گرفته و حجم عظیم سرمایه اجتماعی مولد آنان را به عینه شاهد بوده است.

## ظهور سرمایه اجتماعی در هشت سال مقاومت



سید یعقوب موسوی  
جامعه‌شناس

سرمایه اجتماعی از لحاظ واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی قدمت طولانی دارد. از این جهت که هر زمان اجتماعات در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته و بحران‌ها و شبه‌بحران‌های اجتماعی متعددی را پشت‌سر گذاشته‌اند، کارکرد سرمایه اجتماعی ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده است. اگر بخواهیم مقاطع بسیار مهم و تعیین‌کننده تاریخ معاصر ایران از دوران نهضت مشروطه تا صنعت ملی شدن نفت، پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس را مورد واریسی و بازخوانی محتوایی قرار دهیم، متوجه جایگاه سرمایه اجتماعی در این مقاطع حساس می‌شویم. تمام مؤلفه‌ها و اجزای سرمایه اجتماعی که امروز مورد بحث عالمان اجتماعی قرار گرفته است، در مقاطع مهم تاریخ ایران ظهور و بروز عینی و بیرونی داشته است. اما آنچه که مربوط به تاریخچه دفاع مقدس و نقش عناصر کلیدی فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری یک مقاومت ملی در برابر یک تجاوز گسترده سرزمینی نظامی و غیرنظامی است، ظهور سرمایه اجتماعی با عناصر و مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، همیاری اجتماعی، همبستگی عمومی، همنوایی جمعی و مهم‌تر از همه مشارکت بالای طبقات مختلف اجتماعی است. بر این اساس نظام سیاسی به جای تمرکز صرف بر سرمایه‌گذاری نظامی که البته در حد مطلوب ظاهر شد و نیروهای نظامی ما نیز با تمام وجود در عرصه‌های مختلف به میدان آمدند، بر حضور توده‌های مختلف مردمی برای حفظ و حراست از سرزمین، ارزش‌ها و مقدسات در این ۸ سال هم تأکید کرد که خود نشان دهنده نقش سرمایه اجتماعی در این دوران است. اگر خاطرات، اتفاقات و گزارش‌های مکتوب و شفاهی آن زمان را مورد ارزیابی قرار دهیم، متوجه جایگاه سرمایه اجتماعی به

معنای اخص کلمه و به عبارتی به معنای تمامیت انرژی، حیات و ابزاری که امکان نوعی مقاومت و مقابله اجتماعی و تداوم آن را بالا برده بود، خواهیم شد. هدف از این جنگ تحمیلی تخریب سرزمینی، امنیت و هویت اجتماعی ایران بود. هدف پلیدی که از همان آغاز از سوی رژیم بعث مورد توجه قرار گرفت، بنابراین برای مقاومت، ایستادگی و مقابله با این هدف دشمن‌ورزانه و شیطانی لازم بود تا تمامیت سرمایه اجتماعی ظهور کند که خوشبختانه این اتفاق افتاد و ما به شکل زیبایی شاهد آن بودیم. تحلیل وضعیت جامعه‌شناسی دفاع مقدس هم نشان دهنده اهمیت سرمایه اجتماعی، انسانی، فرهنگی و ارزشی در آن دوران است، البته نباید از این نکته غافل شد که سرمایه اجتماعی امکان ظهور و بروز تمام را در همه جا ندارد، چراکه به تعبیر جامعه‌شناسان خود یک متغیر است. اما در مقطع جنگ تحمیلی به دلیل اینکه از انواع عناصر، اجزا و مؤلفه‌های اعتقادی، فرهنگی، شهادت‌طلبانه و ایثارگراییانه‌ای که در فرهنگ شیعی و اعتقادی ما و برآمده از انقلاب اسلامی در ایران است، تغذیه می‌کرد، توانست با قدرت ظاهر شده و بروز جدی داشته باشد. بر این اساس ما شاهد خلق صحنه‌های بسیار زیبا در دوران دفاع مقدس بودیم. صحنه‌هایی از ایثار، همیاری اجتماعی، پیوستگی، شهادت‌طلبی و حتی عشایر، طایفه و گروه‌های کوچ‌تار اجتماعی مثل کوچ‌نشینان نیز تمام توان و داشته خود را متوجه جبهه کرده بودند. تصاویر آشوب‌شو و منابع مختلف مکتوب هم نشان می‌دهد که از افراد مسن گرفته تا نوجوانان زنان و کودکان و مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز اداری نوعی ایثار و فداکاری جمعی که نمادی از به صحنه آمدن همبستگی اجتماعی است را در دفاع مقدس به نمایش گذاشتند. در حقیقت یکی از ابزارهای مهم مقاومت ملی و اجتماعی و فرهنگی ما در برابر دشمنی که مورد حمایت و پشتیبانی بسیاری از دولت‌های بزرگ دنیا قرار داشت، همین سرمایه اجتماعی بود که توانست شرایط را برای پایداری کشور فراهم کند.

## اهمیت راهبردی سرمایه اجتماعی در دفاع نرم و سخت



حسین میرزانی  
مردم‌شناس  
دانشگاه  
علامه طباطبائی

اصولاً ماندگاری و تداوم نظام‌های سیاسی، بخصوص در کشورهای که از التهابات و مخاطرات درونی و بیرونی رنج می‌برند، بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی آن نظام ارتباط پیدا می‌کند. به نظر جامعه‌شناسان، سرمایه اجتماعی از اعتماد، مشارکت اجتماعی، همبستگی، وفاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تشکیل می‌شود. این سرمایه با تأثیر بر زمینه‌های فرهنگی می‌تواند بقا و دوام نظام‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی، به‌معنای جامعه‌شناختی آن و امنیت ملی با هم رابطه‌ای مستقیم و معنادار دارند، یعنی به‌ر اندازه در کشور سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کند، به‌همان نسبت امنیت ملی نیز مستحکم‌تر خواهد بود و صد البته به عکس این مساله نیز همیشه صادق بوده است. بعداز انقلاب اسلامی در ایران، سرمایه اجتماعی ایجاد شده در کشور رو به تزاید نهاد و در مدت هشت سال دفاع مقدس، این سرمایه اجتماعی مشکل از اعتماد و مشارکت، توجه به ارزش‌ها، همبستگی و وفاق ملی، توانست کشور را از خطر بزرگ اشغال رژیم متخاصم عراق و احیاناً تجزیه آن که خواست نظام سلطه جهانی بود، نجات دهد. در آن دوران، همه ایران را بازنده این جدال می‌دانستند، چرا که دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی آمریکا و شوروی و در پی آن کشورهای اروپایی برای شکست ایران، به حمایت از صدام برخاسته بودند، هر چند تضعیف دو کشور اسلامی در منطقه نفت‌خیز، در یک جنگ طولانی هدف مطلوبی برای این نظام سلطه بود اما قطعاً تمایلی اولیه آنها، شکست حکومتی بود که راه ورود و استثمار غرب از کشورش را سد کرده بود و دیگر حاضر نبود همچون رژیم پهلوی نوکری جبره و مواجب آنها باشد. اما این جنگ نشان داد که معادلات این نظام سلطه همیشه درست از

آب در نمی‌آید؛ هم‌کنشی‌ها و چندلایی روابط اجتماعی در قالب اعتماد و مشارکت اجتماعی در راستای ارزش‌های دینی و ملی، توانست مجموعه همبسته‌ای به‌نام «سرمایه اجتماعی» پدید آورد این سرمایه در دوران انقلاب و جنگ، باعث شد تا حکمرانان و مردم در کنار هم راه را برای برای مواجهه و تحمل هر نوع دشواری و رنج داخلی هموار نمایند. تجربه پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن جنگ تحمیلی نشان داد که اگر نظام سیاسی، از طریق حکمرانی بر دل‌ها و نه با قوه قهریه بتواند جایگاه خود را تثبیت کند، هیچ دشمن داخلی و خارجی توان ایستادگی در برابر این نیرو را نخواهد داشت. سرمایه اجتماعی وقتی با ارزش‌هایی مانند روحیه جهاد، ایثار و شهادت طلبی تلفیق شود، کار برای دشمنان بسیار دشوار می‌شود، همان طور که این دو تجربه بزرگ ایرانی این موضوع را به اثبات رساند. طبق پژوهش‌ها به نظر می‌رسد این سرمایه در سال‌های گذشته به‌کار نرفته و به‌دلیل سوء مدیریت‌ها، رو به افول نهاده و اعتماد و مشارکت اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. کاهش سرمایه اجتماعی برای یک کشور که در معرض تهدیدات مختلف است، خطری راهبردی تلقی می‌شود؛ ایران، کشوری است که شاید بیش از هر کشور دیگری در جهان در چهل سال گذشته به صورت‌های سخت و نرم از سوی دشمنان داخلی و خارجی اش می‌دام تهدید شده و این تهدیدات در حد حرف باقی نمانده و به اقدامات عملی نیر ختم شده است. خوشبختانه تا به امروز کشور از این بحران‌ها سر بلند بیرون آمده اما لازم است سیاستگذاران و مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور برای احیا و تداوم این مؤلفه مهم در تأمین امنیت ملی، رویکردی راهبردی اتخاذ کنند تا در نهایت هم به بقا و دوام حکومت و هم به رضایتمندی افشار مختلف مردم بویژه طبقات متوسط و فرودست که با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور، کار دور از دسترس نیست، منجر شود.

## لرزم توجه ویژه به ایثارگران جنگ در دوره سالمندی



سعید معدنی  
پژوهشگر اجتماعی

تاریخ و حیات انسان‌ها به سرعت سپری می‌شود و حوادث و رویدادها صرفاً در خاطره‌ها می‌مانند. در صورت عدم ثبت این خاطرات، ممکن است نسل‌های آینده از پس غبار زنگار گرفته تحریف، به رویدادهای گذشته بنگرند. از زمان تجاوز ارتش صدام حسین و دولت وقت عراق به خاک کشورمان در شهریور ۱۳۵۹ و تسخیر شهرهای جنوب و غرب ایران و سپس مقاومت و بازپس‌گیری این شهرها ۴۱ سال می‌گذرد. دوران جنگ سراسر حکایت از ایستادگی و مقاومت مردانی دارد که وظیفه خویش را در جهت اعتلای حق می‌دیدند. نقطه اوج احساس غرور، حمیت و غیرت جوانان این مرز و بوم در عملیات بیت‌المقدس آزادسازی خرمشهر خلاصه می‌شود که روز «مقاومت و پیروزی» نامگذاری شده است؛ مردانی که جان خود را فدا کردند تا ایران و ایرانی بماند و به باورها، اعتقادات و هویت فرهنگی و ملی جوانان نسل جنگ افتخار کند.

وظیفه نسل امروز و نسل‌های آینده است که از جانبازان و شهیدان تکریم به عمل آورده و عزت احترام آنان را پاس بدارند. همچنین لازم و ضروری است که جانفشانی‌های شهدا و ایثارگران دوران جنگ را همیشه در یادها زنده نگه دارند و این امر جز تمسک به ابزارهای فرهنگی اعم از فیلم، نمایشنامه، رمان، خاطره‌نویسی، شعر و مانند آن میسر نمی‌شود. در سایر ملل نیز چنین است، در همه کشورهای جهان برای افرادی که در جهت امنیت، رفاه و صیانت از جامعه فداکاری کرده‌اند، با ارج نهادن به زحماتشان، از بازماندگان جنگ، خانواده قربانیان، جانبازان ضمن حمایت‌های مادی، آیین‌های خاصی برای بزرگداشت ایشان برگزار می‌کنند. لازم است در کشور ما نیز ضمن آیین‌های گرامیداشت توجه ویژه‌ای به جانبازان و ایثارگران جنگ داشته باشند، زیرا نسلی که در میدان نبرد حاضر بودند، الان ستین میانسالی را رد کرده و وارد دوران پیری شده‌اند و به لحاظ روحی و جسمی - نسبت به گذشته - بتدریج آسیب‌پذیرتر می‌شوند.

## مشارکت همگانی در دفاع مقدس



محمد زبانی  
پژوهشگر اجتماعی

در هر اتفاق مهمی که می‌افتد، در جوامع تغییراتی حاصل می‌شود. یکی از پدیده‌هایی که موجب ارتقای همبستگی یک جامعه می‌شود، تهدیدات بیرونی است. در دورانی که مردم یک جامعه تهدید می‌شوند، به سوی همدیگر گرایش بیشتری می‌یابند. تهدیدات خارجی موجب می‌شود که مردم یک سرزمین مشترک به هم فشرده‌تر شده و در برابر تهدیدات بیرونی متحد شوند. در این زمره، جنگ اوج تهدیداتی است که ممکن است برای یک جامعه بیفتد.

یکی از موارد مهمی که باید به آن توجه شود، اثری است که اعتماد اجتماعی بر همبستگی دارد. اعتماد مردم به یکدیگر، روی دیگر سکه همبستگی جامعه است. وقتی همکاری‌ها برای مواجهه با تهدیدات بیرونی افزایش می‌یابد، برنامه‌ها مشترک بیشتر می‌شوند، تبادل‌ات به تعاملات تبدیل شده و درون جامعه‌ای که به هم متصلند، در برابر جوامع متخاصم پیوندهای مستحکم و پر از صدق و صفا برقرار می‌شود. اما آنچه به این صورت مطرح می‌شود، نه فقط یک بیان نظری که در طول دوران دفاع مقدس در ایران تجربه شد. ملت ایران که با بحران‌های دوران پسانقلاب مواجه شده بود، بلافاصله به هم پیوسته و تفاوت‌ نظر‌ها را داخل پرانتزی گذاشتند. همین باعث شد که تنش‌های حاصل از تفاوت و تضاد، جای خود را به برنامه‌های مشترک و همکاری‌های اعضای جامعه بدهد. آنچه که پیشتر به آن صدق و صفا گفته شد، باعث شکل‌گیری فرهنگ برادری غیر خویشاوندی در جامعه ما شده بود. تا جایی که اصطلاح «برادر» هم در جبهه‌های جنگ و هم در روابط اجتماعی به عنوان ندا در خطاب به دوست و آشنا به کار می‌رفت.

حاکمیتی که با قدرت و استحکام در برابر تهدیدات بیرونی مقاومت می‌کند، نیروی خود را چسبند پیوستگی و چسبندگی درون جامعه است. جامعه‌ای که صلب و سخت بوده و هیچ تهدید، شایعه و آنچه که در رویدادهای جنگی که آن جنگ روانی می‌گویند، قدرت از هم گسیختن آن را ندارد. در دوران جنگ تحمیلی، برنامه‌های زیادی برای گسیستن و شکافتن داخل حاکمیت و ملت انجام شد، اما روابط اجتماعی و اعتماد درون گروه‌های مختلف جامعه فاصله زیادی با اثر این تهدیدات ذهنی و روانی داشت.

برعکس آن، علاوه بر اینکه مردم با تشویق فرزندان خود به پشتیبانی از نیروی نظامی باعث تقویت نیروهای بسیجی شدند، از جهت اموال و پس‌اندازهای خود نیز با هدیه کردن طلاها و اموال خود به افزایش قدرت ملی در برابر تهدیدات خارجی شدند. مردم به صورتی با شور و اشتیاق به سوی جنگ و حمایت از آن می‌شناختند که معنای تهدیدات بیرونی و حوادث خشن و ترسناک جنگی به راه سعادت و شوق شهادت تغییر پیدا کرده بود. فرهنگ برادری و ایثار جای تفکیک‌های سابق قومی و طبقاتی را گرفته و مناسبات معمول جامعه را به هم ریخته بود.

این همکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها که سرشار از انسجام و اعتماد می‌کرد و موجب شد که سرمایه اجتماعی هم در سطح فردی و هم در سطح فراتر از آن بالا رود. صداقت و صفا در سادگی زندگی مردم عیان بوده و حمایت از برنامه مبارزه کشور با تهدیدات بیرونی با تدارکات مردمی مواجه شده بود. مشارکت همگانی در دفاع مقدس، باعث شده بود افشار مردم با فرهنگ برادری را هم مواجه شده و رده بندی‌های اداری و سیاسی نتوانند بین مردم فاصله اندازد. مدیران داخل صفوف مردم بودند و فرهنگ طبقاتی بالای شهر پایین شهر به مدت هشت سال از یاد رفته بود.

اگرچه دوره دفاع مقدس، دوره‌ای همراه با هزینه‌های بسیار اقتصادی و اجتماعی و شهادت بسیاری از جوانان و اندادار شدن خانواده‌هایشان همراه بود، اما سرمایه اجتماعی مملکت در اثر همدلی و اعتماد بیشتر شده و جامعه را مستحکم کرده بود. به همین خاطر نیازمند توجه به محصولات ناخواسته و مثبتی که در اثر جنگ تحمیلی به وقوع پیوسته بود هستیم تا به این نکته پی ببریم که همبستگی ملت چقدر در افزایش اعتماد، همدلی و ترمیم جامعه می‌تواند مؤثر باشد؛ به اینکه در دوران دفاع مقدس، به خاطر اهمیت اتحاد مردم در برابر تهدیدات ملی سایر آلام جامعه که ناشی از شکاف‌ها و تهدیدات درونی جامعه بود کمتر شده و حداقل از یاد رفته بود.

اینک ما نیازمند آئیم که مارشی که در دوران دفاع مقدس، نه در جنگ و اقدامات تسلیحاتی، که در خصوص روابط اجتماعی و اعتماد در جامعه برقرار بود را بازنگری کرده و از آن دوران برای همیشه جامعه ایرانی الگو بگیریم. جامعه‌ای که وقتی خودش سرنوشتهش برایش مهم می‌شود، می‌تواند چسبندگی داخل خود را بیشتر کرده و شکاف‌ها را ترمیم کند. میان مردم همدلی و صدق و صفا و آئین برادری برقرار کرده و پیوندهاگان رستگاری و پیشرفت جامعه را به همان اندازه که برابر تهدیدات بیرونی تلاش می‌کنند ارزش و اعتبار بخشد.